

بررسی عوامل اثر بخش در آموزش کارآفرینی و راهکار گذر از موانع

رضا توکلی مقدم*

سپیده آیانی**

حسین عموزاده خلیلی***

چکیده:

آموزش به عنوان جوهره کارآفرینی و یکی از عوامل کلیدی و رمز پیشرفت و حتی بقای سازمان‌های نوین است. جامعه جهانی امروز پیوسته دچار تحول و دستخوش دگرگونی است. بسیاری از مصادیق فناوری در دنیای امروز، حاصل تسلسل زنجیره‌وار از یک مجموعه آموزش‌ها و خلاقیت‌های نوع بشر در طول تاریخ است که روندی تکاملی را طی کرده و به موجودیت کنونی رسیده است. در این مقاله پس از بیان اهمیت آموزش کارآفرینی، به مفاهیم، پیش نیازها و اهداف کارآفرینی پرداخته شده سپس مبحث خلاقیت و ضرورت آن در کارآفرینی بیان شده و در ادامه عوامل مؤثر در آموزش کارآفرینی در غالب نقش دانشگاه، دولت، نظام آموزشی، جنسیت، میزان درآمد و نرخ بیکاری بررسی گردید. در پایان موانع دستیابی به این مهم همراه با راهکارهای گذر از آن مطرح شد.

واژگان کلیدی:

آموزش کارآفرینی، کسب و کار، اشتغال، خلاقیت

۱- مقدمه

امروزه ثبات در محیط کار، جای خود را به بی ثباتی و عدم اطمینان داده است و صنایع سنتی و قدیمی که جای خود را به انواع جدید و توسعه یافته آن داده است فرصتی برای استفاده از مهارت‌های قدیمی نمی‌گذارد و در حقیقت آینده را با تهدیدات و فرصت‌ها مواجه ساخته است، زیرا هر اختراع و نوآوری، تغییری را پدید می‌آورد که می‌تواند به نوبه خود، فرصتی را برای کسانی به وجود آورد که بتوانند از این فرصت استفاده کنند. در سال‌های اخیر، تلاش‌های وسیعی به وسیله بسیاری از سازمان‌ها برای ترغیب افراد خود به خلاقیت و نوآوری انجام گرفته است. با بهره جویی از فنون خلاقیت و نوآوری خواهیم دانست که طریقی کارآمد و اثر بخش به اهداف خود دست یافته و سازمان و جامعه‌ای توسعه یافته و پیشرو داشته باشیم. خلاقیت و نوآوری لازمه و پیش‌درآمد توسعه و پیشرفت و تعالی یک سازمان و جامعه است و آگاهی از فنون و روش‌های آن ضرورتی اجتناب ناپذیر برای مدیران، دانشجویان، پژوهشگران و علاقه‌مندان به این رشته است.

امروزه ثبات در محیط کار، جای خود را به بی ثباتی و عدم اطمینان داده است و صنایع سنتی و قدیمی که جای خود را به انواع جدید و توسعه یافته آن داده است فرصتی برای استفاده از مهارت‌های قدیمی نمی‌گذارد و در حقیقت آینده را با تهدیدات و فرصت‌ها مواجه ساخته است، زیرا هر اختراع و نوآوری، تغییری را پدید می‌آورد که می‌تواند به نوبه خود، فرصتی را برای کسانی به وجود آورد که بتوانند از این فرصت استفاده کنند.

* دانشجویار گروه مهندسی صنایع، دانشکده فنی، دانشگاه تهران
** دانش آموخته کارشناسی مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی
*** دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی صنایع - دانشگاه آزاد اسلامی

شرایط اقتصادی، صنعتی، اجتماعی و فرهنگی امروز کشور به گونه‌ای است که حل مشکلات و تنگناها، الگوها و راه حل‌های جدید و متفاوتی را طلب می‌کند. ترکیب جمعیتی جوان کشور، ضرورت ایجاد فرصت‌های شغلی و نیز نوسان بهای نفت سه عامل عمده‌ای هستند که موجب می‌شوند سیاستگذاران و تصمیم‌سازان کلان کشور به منبع درآمد سهل الوصول دیگری به جز نفت بیندیشند و بی‌شک آن منبع جز ابتکار، خلاقیت و نوآوری چیز دیگری نیست. باید توجه داشت که کارآفرینان تنها به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید نمی‌پردازند بلکه با ساختار، تفکر، تحرک و فرهنگ لازم، از دل ویرانه‌های کهن، بنای رفیع آبادانی و پیشرفت را می‌برافرانند. آنچه در شرایط سخت کنونی ضرورت آن در جامعه بیش از پیش احساس می‌شود، پرداختن به این مقوله اساسی، یعنی کارآفرینی است. زیرا مسلماً کارآفرینان با توجه به خصوصیات ممتاز و برجسته خود قادرند در چنین شرایطی با خلاقیت خود منابع لازم برای ایجاد رشد و توسعه در زمینه‌های تولید و منابع انسانی فراهم کرده، اشتغال و کسب و کار جدید ایجاد کرده و با نوآوری صنعتی بر توسعه دامنه محصولات و خدمات بیفزایند.

۳- کارآفرینی

کارآفرینی موضوعی است که از اواخر قرن بیستم مورد توجه محافل آموزشی کشورهای جهان قرار گرفته است. بررسی تاریخ ادبیات کارآفرینی مؤید آن است که این واژه اولین بار در تئوری‌های اقتصادی و توسط اقتصاددانان ایجاد شده و سپس وارد مکاتب و تئوری‌های سایر رشته‌های علوم گردیده است. کارآفرینی عبارت است از فرایند خلق چیزی جدید و پذیرش مخاطرات و سود حاصل از آن، به عبارت دیگر، کارآفرینی فرایند خلق چیزی جدید و با ارزش است که با اختصاص زمان و تلاش لازم و در نظر گرفتن ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی و رسیدن به رضایت فردی و مالی و استقلال به ثمر می‌رسد. (۳ و ۲)

این تعریف دارای چهار جنبه اساسی است:

- ۱- کارآفرینی مستلزم فرایند خلق است، خلق هر چیز ارزشمند و جدید، این خلق باید برای کارآفرین و مخاطبی که این خلق برای او انجام شده است ارزش داشته باشد.
- ۲- کارآفرینی نیازمند وقف زمان و تلاش کافی است.
- ۳- در نظر گرفتن ریسک‌های اجتناب‌ناپذیر لازمه کارآفرینی است.
- ۴- در کارآفرینی، رضایت شخصی از استقلال کاری به وجود می‌آید.



اساساً مفهوم کارآفرینی در ادبیات عامه جایگاه خاصی ندارد. به تعبیر دیگر در سبده آرزوهای شغلی توده مورد بحث، کارآفرینی جایگاهی ویژه ندارد. کارآفرین هم مدیر است، هم مخترع و هم سرمایه‌گذار، لذا دارای سه وجه خلاقیت و قدرت تشخیص فرصت، توانایی ایجاد کسب و کار، ارائه محصول و خدمت جدید است. در مورد مهارت‌ها باید گفت که کارآفرینان نیاز به مهارت‌های بسیاری دارند از جمله: مهارت‌های مدیریتی، آشنایی با اصول اقتصاد و صادرات و واردات، مالیات، بیمه، گمرک، بازاریابی، آشنایی با اصول تأسیس یک شرکت و مقررات حقوقی مرتبط با آن، نوشتن طرح تجاری^۱، کار گروهی^۲ و شناخت بازار کار.

۲- اهمیت و ضرورت آموزش کارآفرینی

امروزه که کار و فعالیت، شکل تازه‌ای به خود گرفته و به سوی خودکارفرمایی و خود اشتغالی در حرکت است، کارآفرینی و کارآفرینان، نقش کلیدی در روند توسعه و پیشرفت اقتصادی جوامع مختلف ایفا می‌کنند. در دنیای در حال تحول امروز، کامیابی از آن جوامع و سازمان‌هایی است که بین منابع کمیاب و قابلیت‌های مدیریتی و کارآفرینی^۳ منابع انسانی خود، رابطه معنی داری برقرار سازند. به عبارتی دیگر جامعه و سازمانی می‌تواند در مسیر توسعه، حرکت رو به جلو و با شتابی داشته باشد که با ایجاد بسترهای لازم، منابع انسانی خود را به دانش و مهارت کارآفرینی مولد تجهیز کند تا آنها با استفاده از این توانمندی ارزشمند، سایر منابع جامعه و سازمان را به سوی ایجاد ارزش و حصول رشد و توسعه، مدیریت و هدایت کنند.

خلاقیت به عنوان یک نیاز عالی بشری در تمام ابعاد زندگی انسان مطرح است و عبارت از تحولات دامنه‌دار و جهشی در فکر و اندیشه انسان است. موضوع فلسفه خلاقیت در خصوص چپستی، هستی، مرزها، روابط، چگونگی، آثار، ضرورت، نقش، سیر توسعه و پیشرفت و تغییر و تحولات جدید خلاقیت و نوآوری است. وجود اشیاء جدید، نتیجه ترکیب عناصر تشکیل دهنده آن است نه خلق وجودی جدید. (۵)

زمانی تصور می‌شد افراد، کارآفرین به دنیا می‌آیند چون خصوصیات آنها به قدری نادر و به خصوص بود که در هر جایی یافت نمی‌شد. در حالی که امروزه شواهد کافی وجود دارد که نشان می‌دهد، صفات کارآفرینی می‌تواند در نتیجه آموزش‌های دوران کودکی و استقلال و اتکا به خود و نیز در نتیجه ارزش‌های فرهنگی مرتبط با کار و صنعت پرورنده شود. همچنین مطالعات مربوط به گذشته کارآفرینان نشان می‌دهد که آنها از خانواده‌هایی که ارزش خاصی برای استقلال و اتکای به خود قائل هستند، بیرون می‌آیند. حتی برخی از کارآفرینان از خانواده‌هایی می‌آیند که ناپایدار و غیر متحد بوده و با بحران‌هایی نظیر مرگ یکی از والدین، جدایی والدین، طغیان علیه والدین و اخراج از خانه مواجه بوده‌اند. این گونه کودکان تحت فشار قرار گرفته و در نتیجه چگونگی سیر کردن شکم و تصمیم‌گیری را زودتر یاد گرفته‌اند. از ویژگی‌های دیگر آموزش و پرورش در برخی کشورها این است که همه کودکان دوره پیش دبستانی را می‌گذرانند، در مهد کودک‌های این کشورها هم امکانات زیادی برای توسعه تفکر خلاق بچه‌ها ایجاد شده و برای هر گروه سنی محیط‌های بازی و اسباب‌بازی‌های ویژه مهیا شده است. (۵) مهدهای کودک در این کشورها، پرورش خلاقیت‌های ذهنی، مهارت‌های فیزیکی، مهارت‌های ارتباطی و گفتاری، خلاقیت و حس استقلال را محور فعالیت‌ها قرار داده‌اند. تمام اینها دست‌به‌دست هم می‌دهد که از کودکان امروز، افرادی با ایده‌های نو و کارآفرینانه به وجود بیاید.

پس می‌توان گفت کارآفرینان نوآور هستند و همواره در مقابله با موقعیت‌ها از راه‌ها و روش‌های جدید استفاده می‌کنند. (۳) آنها از توانایی خود در خلاقیت لذت می‌برند. از تصورات و ابتکارات شخصی خود برای یافتن راه‌های جدید و کنار هم گذاشتن چیزها استفاده می‌کنند. آنها پر از پرسش هستند. بنابراین یکی از نقش‌های مهم آنها در سازمان‌ها این است که عاملی برای نوآوری و روان‌کننده تغییر باشند. لذا ریسک‌پذیری، خلاقیت، استقلال و پاداش چند جنبه مشترک در همه تعاریف کارآفرینی است.

◀ در آموزش رشته کارآفرینی اهداف متعددی مورد نظر است که برخی از این اهداف عبارتند از:

- کسب مهارت در استفاده از فنون تحلیل فرصت‌های اقتصادی و ترکیب برنامه‌های عملیاتی
- کسب دانش مربوط به کارآفرینی
- شناسایی و تحریک استعدادها و مهارت‌های کارآفرینانه
- القای مخاطره‌پذیری با استفاده از فنون تحلیلی
- ایجاد همدلی و حمایت برای جنبه‌های منحصر به فرد کارآفرینی
- تجدید نگرش‌ها در جهت پذیرش تغییر

۴- خلاقیت

خلاقیت، تلاش برای ایجاد یک تغییر هدف دار در توان اجتماعی یا اقتصادی سازمان و به‌کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید است. از دیدگاه سازمانی، مفهوم خلاقیت را می‌توان فکر و طرح نوین برای بهبود و ارتقای کمیت یا کیفیت فعالیت‌های سازمان، از قبیل افزایش بهره‌وری تولیدات یا خدمات و کاهش هزینه‌ها از روش بهتر و جدید دانست. خلاقیت متجلی شده و به مرحله عمل رسیده و یا اندیشه خلاق تحقق یافته را نوآوری گویند. (۴)





۵- عوامل مؤثر در آموزش کارآفرینی

۱-۵ دانشگاه‌ها

در پرداختن به امر آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها باید به انگیزه کارآفرینی اشاره داشت. در مورد انگیزه باید کاری کرد تا فرد به موضوع کارآفرینی علاقه‌مند شود و کارآفرینی را به عنوان یک گزینه شغلی مهم و موفق در نظر بگیرد. افراد برای کارآفرین شدن انگیزه‌های مختلفی دارند از جمله: میل به کسب ثروت، استقلال طلبی، میل به ساختن چیزی نو، نیاز به موفقیت یا توفیق طلبی، انگیزه‌های ملی و انگیزه‌های مذهبی. برای رسیدن به این هدف می‌توان سه کار انجام داد: آموزش برای ایجاد انگیزه، ترویج فرهنگ کارآفرینی به منظور ایجاد انگیزه کارآفرینی و پژوهش در این زمینه.

به طور کلی برخی دلایل نیاز به ارائه درس کارآفرینی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- تقویت ساختارهای دانایی محور در تولید علم و فن
- توجه به تولید علم و تولید ثروت از دانش
- ایجاد توان شناسایی نیازهای جامعه و تطبیق تخصص و تحصیلات
- ایجاد توانایی کارگروهی، فرهنگ کارآفرینی و بالا بردن توان ارزش آفرینی
- ایجاد و تقویت برخی بسترها و ظرفیت‌های بالقوه برای

مسائل علمی حل نشده، نیازهای کشور و ایده‌های نو

- تشویق و گسترش خلاقیت برای خلق کسب و کارها و مفاهیم کسب و کار جدید
- افزایش پویایی و بالابردن قدرت تجزیه و تحلیل دانشجویان در شناسایی بازار، تکنولوژی، فرصت‌های مالی و اقتصادی

شناسایی قوت و ضعف کسب و کارهای موجود، تجزیه و تحلیل فرصت‌ها و تهدیدها و ارائه راهکارهای بهبود آنها.

۲-۵ دولت

آموزش کارآفرینی لازمه توسعه کارآفرینی است و بر همین اساس دولت‌ها بایستی در زمینه سیاستگذاری و اجرای برنامه‌های آموزشی کارآفرینی ایفای نقش کنند، به طور کلی می‌توان نقش سیاستگذاری و اجرایی دولت‌ها در توسعه آموزش کارآفرینی را در موارد ذیل بیان کرد:

۱-۲-۵ فرهنگ سازی و ترویج روحیه کارآفرینی

ایجاد و تقویت ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای کارآفرینانه، به طور کلی تحت عنوان فرهنگ سازی کسب و کار، از مؤلفه‌های اصلی استراتژی دولت‌ها در توسعه کارآفرینی است. این هدف عمدتاً در قالب سیاست‌ها و برنامه‌های تشویقی-ترویجی-آموزشی و در کلیه سطوح و لایه‌های اجتماعی پیگیری می‌شود. فرهنگ سازی مورد نظر در بستری از همکاری دولت و بخش خصوصی صورت می‌گیرد. (۳) بخش اصلی بار فرهنگ سازی بر دوش نظام آموزشی و بخش دیگری از آن بر دوش رسانه‌های جمعی است.

۲-۲-۵ اصلاحات ساختاری و نهادسازی

منظور از اصلاحات ساختاری عمدتاً ناظر بر اصلاح در قوانین، مقررات و چارچوب‌های حقوقی حاکم بر ابعاد مختلف. تأسیس و راهبری کسب و کارهاست، مهمترین این قوانین عبارتند از: مقررات ثبت و تأسیس شرکت‌ها و تعیین ماهیت حقوقی آنها و روابط مؤسسان، قانون مالیات‌ها و قوانین کار و قوانین رقابت. هدف از اصلاحات ساختاری در این کشورها اطمینان از انطباق چارچوب قانونی، حقوقی با نیازها و ضرورت‌های توسعه کارآفرینی در مقاطع مختلف زمانی است و عمدتاً با هدف بهبود فضای قانونی - حقوقی به نفع کسب و کارهای جدید، نوآور و در حال رشد صورت می‌گیرد. (۶) در این مؤلفه از توسعه کارآفرینی، اگر چه بار اصلی برنامه‌ها و فعالیت‌های اجرایی بر دوش نظام دولتی قرار دارد، اما خاستگاه اصلاحات، تعاملات و مذاکرات منظمی است که بین دولت و تشکیلات و انجمن‌های کارآفرینان صورت می‌گیرد. (۷) بنابراین با افزایش میزان مشارکت اجتماعی در استراتژی توسعه کارآفرینی، داده‌های عینی‌تر و بیشتری برای انجام اصلاحات لازم در مقررات و قوانین فراهم می‌گردد.

۳-۲-۵ ایجاد مؤسسات آموزش دولتی - خصوصی

به طور کلی از آنجا که در کشورهای در حال توسعه، دیگر کشاورزی نمی‌تواند اشتغال را برای جمعیت زیادی فراهم کند و از سوی دیگر کارهای سودآور هم فقط برای عده‌ای محدود امکان‌پذیر است، به نظر می‌رسد که آموزش کارآفرینی راه حل مطلوبی برای رفع مشکلات اشتغال و بهره‌وری در جامعه باشد.



۴-۲-۵ - پرورشگاه‌های کسب و کار کوچک

پرورشگاه کسب و کار، معمولاً فضایی با بخش‌های کوچکتر است که این بخش‌های کوچکتر فضای لازم برای پرورش کسب و کار جدید را فراهم می‌کنند. هدف از تأسیس پرورشگاه‌های کسب و کار، افزایش نرخ تأسیس کسب و کارهای جدید و کاهش نرخ مرگ و میر کسب و کارها و تسهیل فرایند رشد این کسب و کارهاست. ایجاد پرورشگاه یا بایستی توسط دولت صورت گیرد و یا با حمایت مالی و غیرمالی دولت و توسط بخش خصوصی با مشارکت دولت ایجاد گردد. روال کاری پرورشگاه بدین صورت است که بر اساس معیارهایی نظیر توان اشتغالزایی، توان رشد سریع، میزان استفاده از تکنولوژی‌های نوین، وجود یا عدم وجود یک طرح توجیهی، ساختار مناسب، نوآورانه بودن طرح و نیاز به شروع آن، پرورشگاه اقدام به پذیرش کارآفرینان می‌کند. پرورشگاه‌ها علاوه بر فضای فیزیکی که برای شروع فعالیت کارآفرین تأمین می‌کنند، در نقش مشاوره‌ای و ارتباط دهنده کارآفرین با شبکه روابط اجتماعی-اقتصادی بین کسب و کارها عمل می‌کنند.

آموزش کارآفرینی نیازمند توجه به موضوع‌های زیربنایی نظیر آموزش از مقطع دبستان، تغییر نظام آموزشی، مشارکت اجتماعی مردم و حمایت‌های دولت در زمینه‌های مالی و قانونی است

۷-۲-۵ - نقش اطلاع رسانی دولت

به طور خلاصه باید گفت که انتقال اطلاعات برای بقای کسب و کار، در عین حال برای رشد توسعه آن اهمیت حیاتی دارد. کارآفرین باید اطلاعات داشته باشد تا بر اساس آن استراتژی‌های آینده خود را بنا کند، هر چه کسب و کار پیچیده‌تر باشد، سیستم اطلاعاتی اهمیت بیشتری می‌یابد. یک استراتژی غیر سودآور ممکن است مستقیماً یا به طور غیرمستقیم به شکست کسب و کار بینجامد.

۵-۲-۵ - آموزش کارآفرینی

دولت از طریق وزارت آموزش و پرورش و سیستم آموزشی و مؤسسات وابسته به آن می‌تواند مفهوم کارآفرینی را از نظر اقتصادی و اجتماعی معرفی کند، یا این که مبحث توسعه کارآفرینی می‌تواند به عنوان یکی از دروس، به دانش‌آموزانی که تمایل به درک کارآفرینی دارند، آموخته شود تا بتوانند قابلیت‌های خود را ارزیابی کنند. برای ارتقای کارآفرینی، می‌توان ابزارهای آموزشی با موضوع کارآفرینی را در میان دانش‌آموزان توزیع کرد. کتاب‌ها، جزوات، راهنماها و مآخذهای چگونگی شروع و مدیریت مؤسسات می‌توانند در مدارس و کتابخانه‌ها توزیع شوند (۸) بدین ترتیب دانش‌آموزان آگاه‌تر شده و در زمان شروع کار خود، آمادگی بیشتری خواهند داشت.

۳-۵ - نظام آموزشی

۱-۳-۵ - فراهم نمودن زمینه‌های مناسب آموزش

آموزش در صورتی تأثیرگذار است که برخی از نیازهای یادگیرنده را مرتفع نماید. آموزش کارآفرینی نیازمند توجه به موضوع‌های زیربنایی نظیر آموزش از مقطع دبستان، تغییر نظام آموزشی، مشارکت اجتماعی مردم و حمایت‌های دولت در زمینه‌های مالی و قانونی است. بدون توجه به این موارد کارآفرینی در سطح جامعه تحقق نخواهد یافت. بسیاری از آموزش‌هایی که به افراد مختلف ارائه می‌شود به دلیل مناسب نبودن برنامه زمانی و یا فقدان زمینه‌های لازم اتلاف می‌گردد به منظور مؤثر بودن آموزش، سه شرط اصلی باید فراهم باشد: **یادگیرنده باید با یک تغییر شدید مواجه گردد که آن می‌تواند یک مشکل و یا یک فرصت باشد.**

۶-۲-۵ - آموزش‌های از راه دور و رسانه‌ای

یکی از روش‌های آموزش کارآفرینی، آموزش از راه دور است که امروزه با توجه به پیشرفت تکنولوژی اطلاعات انجام این نوع آموزش از پیشرفت زیادی برخوردار شده است. آموزش از راه دور معرف سیستمی است که طبق آن یادگیرنده از راه دور توسط نهادهای مسئول، آموزش می‌بیند. در این روش، یادگیرنده بیشتر به خود متکی بوده و در هنگام ضرورت درخواست کمک خواهد کرد.

یادگیرنده باید بداند که این تغییر در حال وقوع است و یا در مدت کوتاهی به وقوع خواهد پیوست.
ذهن یادگیرنده باید در مقابل یادگیری یک مهارت جدید باز باشد، باید خود بخواهد که یاد بگیرد.

۴-۵ - جنسیت

یکی از مسائلی که نتیجه مطالعات متعدد در کشورهای مختلف است پایین بودن نرخ کارآفرینی زنان در مقایسه با مردان است. چرا نرخ کارآفرینی بین زنان کمتر است؟ این سؤال از این رو اهمیت دارد که نزدیک به نیمی از جمعیت کشورها را زنان تشکیل می‌دهند و در عین حال به واسطه تحولات گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فنی، زنان آمادگی بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی پیدا کرده‌اند. بنابراین هر گونه افزایش در نرخ کارآفرینی زنان می‌تواند در نهایت به شتاب‌گیری توسعه کارآفرینی منجر گردد.



روشن شود این است که دولت نه توان جذب نیروی انسانی جدید دارد و نه این که باید به او اجازه داده شود که نیروی انسانی خود را بیش از این افزایش دهد.

۵-۷ ضرورت رشد بخش‌های تعاونی و خصوصی در کشور

امروز در تمام دنیا، دولت‌ها متوجه شده‌اند که خودشان نمی‌توانند توسعه و رشد ایجاد کنند، بنابراین اکثر دولت‌ها در جهان، سیاست‌هایی اتخاذ می‌کنند که در کشورشان کارآفرینان رشد و نمو پیدا کنند، یعنی بخش خصوصی را رشد و توسعه می‌دهند تا فضای کسب و کار ایجاد شود.

ایجاد شغل یا باید توسط دولت یا شرکت‌های موجود و یا شرکت‌های جدید صورت گیرد. اما امروز برای همه روشن است که نیروی انسانی دولت بیش از حد سنگین شده است و دیگر قادر به استخدام نیروی جدید نیست. از طرف دیگر شرکت‌های موجود نیز ظرفیت‌های محدودی دارند و قادر به جذب نیروی جدید نیستند. بنابراین تنها راه حل بیکاری و جذب نیروی جدید و ایجاد اشتغال این است که کارآفرینی در کشور توسعه یابد و شرکت‌های جدید غیردولتی ایجاد شود.



زهن افراد اصولاً واجد هر دو الگوی فرصت و تهدید با همدیگر است. به عبارت دیگر همه افراد واجد دو الگوی فکری فرصت و تهدید می‌باشند که کارآفرینی افراد در وهله اول ناشی از فعال شدن سریع‌تر الگوی فرصت در مقایسه با الگوی تهدید است. محیط عمومی از طریق محیط اختصاصی بر رفتار افراد به لحاظ مطابقت با هنجارها، مطابقت با سطح دانش عمومی و سازگاری با نظام اداری - حقوقی تأثیر می‌گذارد. این تأثیر بدو در سیستم فکری و ادراکی افراد بروز یافته و در رفتار آنها تأثیر گذار خواهد بود. شواهد عینی بر این ادعا اولاً میزان بالاتر خود اشتغالی در زنان، ثانیاً محدودیت در تنوع فعالیت‌ها و نیز هدف قرار دادن بازارهای کوچک توسط زنان کارآفرین و در مقایسه با کارآفرینان مرد است.

۵-۵ نقش اعتبارات خرد

عدم دسترسی کارآفرینان به نهادهای مالی در کشورهای درحال توسعه، موجب محدود شدن شکل‌گیری کسب و کارهای جدید می‌شود که نتیجه آن در قالب کاهش رشد اقتصادی بروز می‌کند. امروزه اکثر مردم در کشورهای درحال توسعه از دسترسی به خدمات مالی چه در قالب تسهیلات و یا پس انداز محروم هستند و این پدیده موجب گرفتار شدن آنها در گرداب فقر گردیده است. به عبارت دیگر وقتی منابع مالی کافی برای سرمایه‌گذاری وجود نداشته باشد، نتیجه آن در قالب کاهش بهره‌وری بروز می‌کند. در چنین شرایطی درآمد سرانه کاهش یافته و لذا پس انداز داخلی نیز آفت پیدا می‌کند که در نتیجه مجدداً دور جدیدی از افت بهره‌وری تولید هویدا می‌شود. با این حال متأسفانه موانع زیادی وجود دارد که نقش اعتبارات خرد و یا قابلیت کارآفرینی یا پایداری آن را محدود می‌سازد. (۹) اعتبارات خرد باید به صورتی پایدار مورد استفاده بنگاه‌های کوچک و متوسط قرار گیرند. منظور از پایداری هم پایدار اقتصادی است که بنگاه کوچک و متوسط، با سودآوری مناسب امکان باز پرداخت وام خود را پیدا کند. این پدیده باعث خواهد شد که نهادهای مالی نیز بتوانند در جهت دادن اعتبارات جدید به متقاضیان فعالیت کنند.

۵-۶ نرخ بیکاری

به اعتقاد کارشناسان و متخصصان، در شرایط فعلی کشور، بهترین روش ایجاد اشتغال و حل مسأله بیکاری، توسعه و گسترش فرهنگ کارآفرینی در جامعه است. زیرا یکی از علل اصلی رشد نرخ بیکاری در کشور ما، توسعه نیافتگی فرهنگ کار و کارآفرینی در جامعه است و این که مردم و حتی تحصیل کرده‌ها هم دنبال این هستند که از طریق بخش دولتی کسب و کاری برای خود ایجاد کنند. بیکاری نه تنها ضرر و زیان‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی برای جامعه ما ایجاد کرده، بلکه ضربات سنگین فرهنگی و اخلاقی به جامعه وارد آورده است. یکی از نکاتی که باید برای جوانان و اکثر مردم

۶- راهکارهای گذر از موانع

موجب می‌شود کارآفرینان سریع‌تر و راحت‌تر به تسهیلات بانکی دست پیدا کنند.

همچنین کاهش هزینه‌ها از طریق تخفیف مالیات و هزینه‌های ضروری می‌تواند به گسترش روحیه کارآفرینی کمک کند.

۳-۶ سیاست‌های توسعه و انتقال تکنولوژی

تکنولوژی‌های جدید در جهان امروز بستر فعالیت بسیاری از کارآفرینان است. از طرفی باید به روشنی بدانیم که تکنولوژی‌های جدید، بدون بومی کردن و سیاست‌های دقیق انتقال تکنولوژی نه تنها موجب توسعه کارآفرینی نمی‌شود بلکه مشکلات متعددی را به وجود می‌آورد.

۴-۶ تسهیل صادرات و واردات

فراهم نبودن زمینه مناسب صادرات و واردات کالاها یکی از دلایل عدم رشد صنایع کوچک و به تبع آن کارآفرینان می‌باشند. بی‌ثباتی قوانین صادرات و واردات، تشریفات طولانی برای دریافت ارز و بی‌ثباتی نرخ ارز از جدی‌ترین موانع صادرات و واردات کالا می‌باشد. از طرفی به نظر می‌رسد برای حمایت از ایده‌های جدید در صادرات کالاها صنایع کوچک، دولت برنامه مدونی ندارد. بسیاری از بنگاه‌های کوچک توان تولید محصولات صادراتی دارند اما قادر به ارائه محصول در سطح بین‌المللی نیستند. طراحی و ایجاد سازمان‌های فعال در امر صادرات محدود و پراکنده صنایع کوچک می‌تواند موجب پویایی و رشد این گونه واحدها شود. این سازمان‌ها با ارائه خدماتی می‌توانند بنگاه‌های کوچک و متوسط را در صادرات محصولات جدید خود کمک کنند.

۵-۶ نقش اطلاع‌رسانی دولت

اطلاعات برای بقای کسب و کار و در عین حال رشد و توسعه آن اهمیت حیاتی دارد. فقدان اطلاعات می‌تواند به هزینه کردن بیش از حد سرمایه منجر شود. هرچه کسب و کار پیچیده‌تر باشد و کارآفرین ایده جدیدتری داشته باشد سیستم اطلاعاتی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. با توجه به اهمیت موضوع در بسیاری از کشورها دولت و سازمان‌های وابسته چنین رسالتی را به عهده می‌گیرند. تشکیل بانک‌های اطلاعاتی مورد نیاز کسب و کارها و ارائه خدمات و حمایت‌های اطلاعاتی می‌تواند به رونق کسب و کارها کمک کند. از طرفی توسعه زیر ساخت‌های فناوری اطلاعات و آموزش شیوه‌های نوین مانند تجارت الکترونیک می‌تواند به کارآفرینان کمک کند تا ایده‌های خود را به صورت کشوری و جهانی مطرح کنند.

۶-۶ حمایت از شبکه کارآفرینان نه بنگاه‌های ایزوله

امروزه بحث شبکه‌سازی و خوشه‌سازی میان بنگاه‌های کوچک و متوسط در اولویت سیاست‌های توسعه صنعتی کشورها قرار گرفته است. منطبق آن این است که در دنیای

کارآفرین نیروی محرک در توسعه اقتصاد است و کارآفرین دانشجو، کارآفرینی است که با استفاده از یافته‌های علمی خود به فعالیت‌های اقتصادی نو می‌پردازد و دانش را به اقتصاد مرتبط می‌سازد. اما توفیق در کارآفرینی نیاز به ترویج، هدایت و حمایت دارد. حمایت دولت از کارآفرینان را می‌توان به حمایت‌های مالی، فنی و فناوری، قانونی، حقوقی، بازاری، تأمین، اجتماعی، امنیتی و سیاسی تقسیم کرد. بهترین بستر برای این که هر کارآفرین بتواند ایده خود را به مرحله اجرا برساند راه‌اندازی یک کسب و کار کوچک است. شرط راه‌اندازی یک بنگاه کوچک و ادامه فعالیت برای اجرای ایده‌های کارآفرینانه، فراهم بودن بسترهای لازم می‌باشد. این بستر سازی وظیفه اصلی دولت از طریق قانون گذاری، رفع موانع قانونی و اجرای سیاست‌های حمایتی صحیح می‌باشد که در ادامه به بخشی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

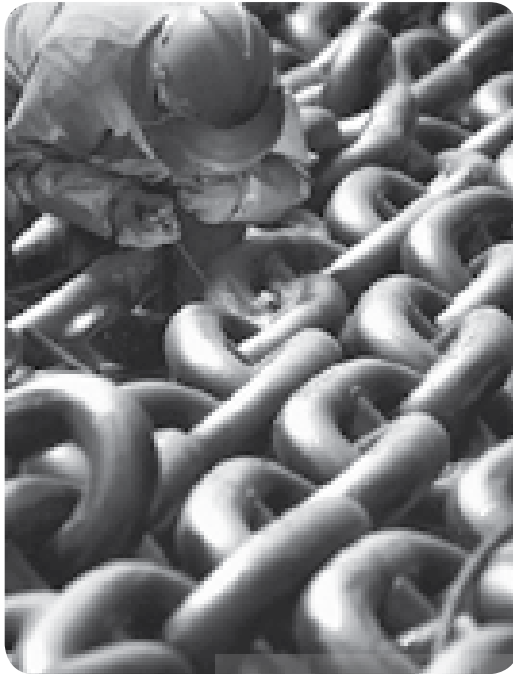
ایجاد کمیته‌های کارشناسی با عنوان صندوق‌های ضمانت برای تشخیص شایستگی افراد و مناسب بودن ایده‌ها نیز موجب می‌شود کارآفرینان سریع‌تر و راحت‌تر به تسهیلات بانکی دست پیدا کنند

۱-۶ فرایند اخذ مجوز

فرایند طولانی اخذ مجوز و بروکراسی شدید اداری، تغییر دائمی ضوابط و قوانین و عدم سازگاری قوانین با عوامل محیطی و منطقه‌ای موجب شده است تا بسیاری از کارآفرینان در ابتدای راه با مشکلات زیادی مواجه شوند. امروزه در کشورهای توسعه یافته این فرایند قانونی به شدت تسهیل شده است. به عنوان نمونه در کشور کره جنوبی دولت ترتیبی اتخاذ نموده است که تمامی مراحل راه‌اندازی یک کسب و کار جدید از طریق مقامات محلی و با یکبار مراجعه قابل حل باشد.

۲-۶ سیاست‌های مالی و اعتباری

تأمین اعتبار مالی برای اجرای ایده‌های نو در قالب کسب و کار کوچک باید یکی از کلیدی‌ترین سیاست‌های حمایتی دولت باشد. در این راستا اقدامات مناسبی در کشور صورت گرفته است. وزارت صنایع با پرداخت وام‌های کم بهره در قالب طرح‌هایی به توسعه کارآفرینی کمک می‌کند. با این وجود، متأسفانه هنوز سیستم بانکی کشور در جهت تأمین اعتبار کسب و کارهای کوچک با سیاست‌های توسعه کارآفرینی هماهنگ نیست. یک کارآفرین برای دریافت اعتبار با مشکلات متعددی مانند تأمین وثیقه، راه‌اندازی ۵۰ درصد فعالیت برای کسب اعتبار و آماده کردن مدارک مختلف روبرو می‌شود. به طوری که بسیار از ایده‌ها در همین مرحله ناکام می‌مانند. ایجاد کمیته‌های کارشناسی با عنوان صندوق‌های ضمانت برای تشخیص شایستگی افراد و مناسب بودن ایده‌ها نیز



کنونی، نوآوری و کارآفرینی در یک صنعت نمی‌تواند منتزع از سایر بنگاه‌ها و نهادهای مرتبط با آن باشد. به عبارت بهتر به جای تمرکز بر ایجاد بنگاه‌ها، باید بر ایجاد زنجیره‌ها تأکید نمود. متأسفانه هنوز در کشور ما پرداخت حمایت‌های مالی به طور مستقیم به بنگاه‌ها نشانه حمایت دولت از کارآفرینان تلقی می‌شود. بلوغ سیاست‌های صنعتی کشور آن موقع خواهد بود که دولت به جای انبوهی از کمک‌های پراکنده و مستقیم به بنگاه‌ها، به گروهی از زنجیره‌های صنعتی که می‌توانند رقابت‌پذیری خود را در سطح جهانی اثبات نمایند کمک کند.

۶-۷ جایگزینی شیوه جدید به جای شیوه کهنه

امروزه ثبات در محیط کار، جای خود را به بی‌ثباتی و عدم اطمینان داده است و صنایع سنتی و قدیمی که جای خود را به انواع جدید و توسعه یافته آن داده است، فرصتی برای استفاده از مهارت‌های قدیمی نمی‌گذارد و در حقیقت آینده را با تهدیدات و فرصت‌ها مواجه ساخته است؛ زیرا هر اختراع و نوآوری، تغییری را پدید می‌آورد که می‌تواند به نوبه خود فرصتی را برای کسانی به وجود آورد که بتوانند از این فرصت استفاده بهینه کنند. مدتهاست کشورهای پیشرفته به این نتیجه رسیده‌اند که برای این که نسل بزرگسال کارآفرین پرورش دهند، باید آموزش کارآفرینی را از دوران کودکی و نوجوانی آغاز کنند به این ترتیب کودکی که با پول و کسب و کار درست و شرافتمندانه آشنا می‌شود، در آینده نیز انسانی خلاق و پولساز خواهد بود.

ژاپن نخستین کشوری بود که آموزش کارآفرینی را از مدرسه شروع کرد. به این ترتیب نوجوانان ژاپنی در دبیرستان‌های این کشور آموختند که چگونه باید در حین تحصیل کار کنند و از کار خود سود به دست آورند. آنها به این ترتیب به جهش صنعتی کشورشان کمک کردند. این تجربه و تجربه موفق سایر کشورها نشان می‌دهد که برای پرورش انسان‌هایی کارآفرین باید مفاهیم مربوط به کارآفرینی به شکل پررنگی در کتاب‌های درسی ایران نیز گنجانده شود.

۷- نتایج

ایده‌های جدید، با اندیشیدن به دست می‌آید که در آن ذهن به طور عمیق با یک مسئله درگیر می‌شود و به تجسم آن می‌پردازد و با حذف و یا ترکیب واقعیت‌های موجود، به روشن شدن فکر جدید کمک می‌کند. بینشی که بدین ترتیب حاصل می‌شود، قوه تصور را در یافتن فکرهای جدید تغذیه می‌کند. تأکید اصلی در این نوشتار بر مؤلفه ضرورت آموزش کارآفرینی و مزایای ناشی از آن بوده است. در این راستا تلاش شده تا ضمن بیان خلاصه‌ای از اهمیت مسئله در توسعه، رشد و بقای سازمان‌ها، راهکارهای مد نظر نیز مطرح و نقش عوامل مؤثر در آموزش کارآفرینی در غالب نقش دانشگاه، دولت، نظام آموزشی، جنسیت، میزان درآمد و نرخ بیکاری ارائه گردد. در پایان نیز ساختار مناسب آموزش کارآفرینی ارائه و مهارت‌های مورد نیاز یک کارآفرین در راستای کسب مزیت رقابتی و افزایش بهره‌وری ذکر شد. □

منابع و مأخذ:

- ۱- سالازار ملیتو، مقدمه‌ای بر کارآفرینی، ترجمه: سیامک نطق، سازمان بهره‌وری ملی ایران، سال ۱۳۷۶
- ۲- احمدپور داریانی محمود، کارآفرینی، تعاریف نظریات، الگوها، نشر پردیس ۱۳۷۹
- 3- *prokopenko Joseph, Entrepreneurship development in public Enterprises, International Labour office 1991.*
- ۴- اسعدی علی رضا، به کارگیری خلاقیت در طراحی و تولید، نشریه روش، سال سیزدهم شماره ۸۱
- ۵- ووماک جیمزپی، تفکر ناب، ترجمه آزاده راد نژاد، انتشارات آموزه، اصفهان ۱۳۸۰
6. *Alsos, G.A, Opportunity recognition and prior knowledge: a study of experienced Research, Tromso, Norway, 2004*
- ۷- صمد آقایی جلیل، سازمان کارآفرین، مرکز آموزش مدیریت دولتی ۱۳۷۸
8. *Hills, Opportunity Recognition, perceptions and Behaviors Of Entrepreneurs, frontiers of Entrepreneurship Research, Babson and college, welisley, MA 1997*
- ۹- مقیمی سیدمحمد، نقش آموزش کارآفرینی در بهبود دانش صاحبان کسب و کار کوچک، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۱۳ تیر ۱۳۸۰